نام مقاله: نقش نسخه هاي خطي در گفتگوي تمدن ها با محوريت برنامه حافظه جهاني/

نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)

شماره نشريه: 54 \_ شماره دوم، جلد 14

پديدآور: علي صادق زاده وايقان، اعظم نجفقلي نژاد

مترجم:

چكيده

پس از طرح نظريه «برخورد تمدنها»، نظريه «گفتگوي تمدنها» در مقابل آن مطرح شد، كه مورد توجه پژوهشگران و سازمانهاي بين‌المللي قرار گرفت. عنصر ارتباط، زيربناي تمدن بوده و پيدايش نسخه‌هاي خطي، نقش مؤثري در ارتباط نوشتاري و تمدن بشري داشته است.

ابعاد مختلف نسخه‌هاي خطي از قبيل: ابعاد علمي، فرهنگي، هنري، اخلاقي، عرفاني و معنوي، نقش سازنده‌اي در ارتباط و گفتگو دارند. بويژه بُعد هنري نسخه‌هاي خطي بيشتر از بقيه در گفتگوي تمدنها نقش دارد، زيرا هنر، زبان مشترك فرهنگها و جهاني است و كاركردهاي متنوعي دارد.

حفظ و نگهداري نسخه‌هاي خطي در اكثر كتابخانه‌ها، مراكز علمي و پژوهشي دنيا بويژه موزه‌هاي كشورهاي مختلف، اعتقاد و احترام به گفتگوي تمدنها محسوب مي‌شود. به عنوان مثال، قرآن كريم كه نسخه‌هاي خطي و هنري آن كثير و مورد توجه همگان است، خود كتاب گفتگوست.

از طرفي، برنامه حافظه جهاني، يكي از برنامه‌هاي بين‌المللي است كه نقش مؤثري در اشتراك انديشه‌ها، فرهنگها، آثار هنري، احياي تاريخ و ... داشته، نقطه اشتراك و پل ارتباطي فرهنگها در سطح بين‌المللي به شمار مي‌رود. از شاخه‌هاي اصلي اين برنامه، كمك به حفظ نسخه‌هاي خطي نفيس سراسر جهان، اشاعه و ثبت بين‌المللي آن است.

كليدواژه‌ها: نسخه‌هاي خطي، گفتگوي تمدنها، حافظه جهاني، قرآن، هنر.

مقدمه

«ساموئل هانتينگتون»[1] (1993) نظريه «برخورد تمدنها» را به عنوان الگوي تفسير كننده روابط بين‌الملل در دوران پس از جنگ سرد، بيان كرد. انتشار نظريه هانتينگتون با واكنش گسترده‌اي در محافل علمي و دانشگاهي جهان روبرو شد. در بسياري از كشورها سخنرانيها و نشستهايي براي بحث درباره آن برگزار و مقاله‌هاي گوناگوني دربارة مباني، لوازم و نتايج و نارسايي‌هاي اين نظريه منتشر شد. بسياري از استادان و متفكران اسلامي و غير اسلامي در برابر آن نظرهايي مانند «آميختگي تمدنها»، نظرية «پايان تاريخ» و ... را ارائه كردند. البته اين نظريه‌ها نتوانست نظرية برخورد تمدنها را از پيشرفت باز دارد تا آنكه رئيس جمهور ايران[2] (1380)، نظريه «گفتگوي تمدنها» را به عنوان مبناي روابط كشورها، دولتها و تمدنها مطرح كرد و آن را نشاني از سيّال بودن نظام بين الملل دانست. مراكز تحقيقاتي دانشگاهي و شخصيتهاي علمي و سياسي و حتي سازمان ملل متحد به عنوان ارگان جهاني كشورها، از نظريه گفتگوي تمدنها استقبال نمودند و آن را مناسب‌ترين ديدگاه و شيوه براي تنظيم و ترتيب روابط بين كشورها و ملتها دانستند (يادداشت ماه،1377، ص.2). پس از زبان گفتاري كه بارزترين شكل گفتگو ميان انسانهاست، زبان نوشتاري در عرصه تمدن بشري چهره نموده و حجم سنگيني از بار ارتباط آدمي را در پيچ و خم تاريخ، بر دوش كشيده است (كياني، 1378، ص.7).

لوحه‌هاي گلي، فلز، پوست درختان و حيوانات و ... و سرانجام پيدايش كاغذ، تأثير شگرفي در زبان نوشتاري گذاشت و استنساخ نسخه توسعه يافت و كتابهاي خطي به عنوان بهترين ابزار گفتگو ميان اديان، ملتها، انتقال و تبادل دانش بشري، نقش ايفا كرد.

قدرت هر ملتي به سه عامل وابسته است: «قدرت نظامي»، «غناي اقتصادي» و «اقتدار فكري». در ميان اين سه عامل، اقتدار فكري يك ملت، كليد پيشرفت، سعادت و استيلا بر ديگر ملتها به شمار مي‌رود. تاريخ نشانگر اين است كه كتابخانه‌ها در تحولات اجتماعي، فرهنگي و عقلاني ملتها، نقش محوري داشته‌اند. كتابخانه‌ها با هدف اوليه حفظ مظاهر خرد بشري كه به صورت اشياي قابل لمس نظير نسخه‌هاي خطي و كتابها درآمده بودند و به منظور گسترش تسهيلات لازم براي مطالعه و تحقيق از منابعي كه به توسط اشخاص يا سازمانهايي گردآوري و سازماندهي شده بودند، به وجود آمدند (رسولي املشي، 1384، ص.56).

از همان ابتدا، نسخه‌هاي خطي به عنوان منبع اصلي اطلاعات براي پادشاهان، اشراف و اشخاص تحصيلكرده باقي ماند. هنگامي كه مسلمانان به نگرشي علمي دست يافتند، در گسترش علم و دستيابي به كشفيات جديد نقش مهمي ايفا كردند و به حاكمان قدرتمندي تبديل شدند (رسولي املشي، 1384، ص.57). با توجه به اهميت اين موضوع، ضروري است در ادامه به يكي از ثمره‌هاي اصلي ارتباطهاي بشري، يعني گفتگوي تمدنها، اشاره‌اي مختصر داشته باشيم.

گفتگوي تمدنها

تمدن، مفهومي است كه در معاني مختلف به كار برده شده است. «تايلور»[3] تمدن را همان فرهنگ مي‌داند و حتي مترادف با فرهنگ به كار مي‌رود. از نگاه بعضي مانند «كروبر»[4]، تمدن صورت پيچيده‌تر فرهنگ است كه داراي ويژگيهاي قابل رؤيت بيشتري است. «هويچر»تمدن را فرهنگي مي‌داند كه از نظر كيفي داراي عناصر عالي‌تر است. از نگاه برخي ديگر، تمدن حوزه‌اي از ديدگاه‌هاي انساني و فرهنگ است.

اسطوره‌ها، مذهب، هنر و ادب از اجزاي فرهنگند و علوم و فنون در جرگة تمدن قرار دارند.

نتيجه اينكه، نكته مشترك تمامي تعريفها، تأكيد بر نقش مهم ارتباط ميان انسانها در ساختن و تداوم تمدنهاست.

ارتباط، يكي از عناصر بسيار مهم در ساخت تمدنها، گسترش و نيز انتقال آنهاست (كياني، 1380، ص.116 و 117). سرانجام به گفتة «توين‌بي»[5]، «پويايي يك تمدن از طريق برقراري ارتباط فعال و گفتگو و مراودات فرهنگي، مي‌تواند از زوال و انحطاط آن جلوگيري كند» (كياني، 1380، ص.118).

گفتني است، برنامة حافظه جهاني، يكي از برنامه‌هاي بين‌المللي در عرصه گفتگوي تمدنهاست كه نقش مؤثري در اشتراك انديشه‌ها، فرهنگها، آثار هنري، احياي تاريخ و ... دارد و نقطه اشتراك و پل ارتباطي فرهنگها در سطح بين‌المللي به شمار مي‌رود كه در ادامه به طور خلاصه به آن اشاره مي‌شود.

برنامة حافظه جهاني

حافظه جهاني، حافظه جمعي مستند مردم دنيا و معرف بخش بزرگي از ميراث فرهنگي دنياست. حافظة جهاني، نمايانگر تكامل انديشه، اكتشافها و دستاوردهاي جامعه بشري و ميراث گذشته، براي جامعه جهاني كنوني و آينده است. قسمت عمدة حافظه جهاني، در كتابخانه‌ها، آرشيوها و موزه‌ها قرار دارد (ادموند سان، 1387، ص.7).

ميراث مستند، نماد هويت فرهنگي ملل مختلف جهان و موضوع حافظه جهاني است. اين ميراث، بخش مهمي از حافظه ملتها و بيانگر سهم هر يك از ملل جهان در شكل‌گيري دوره‌هاي مختلف تمدن بشري است كه گذشته و حال را به هم گره مي‌زند و چشم‌اندازي از آينده ترسيم مي‌كند (ادموند سان، 1387، ص.1).

سازمان آموزشي، علمي و فرهنگي ملل متحد[6] به منظور عمل به مسئوليت خود در حفظ و معرفي اين ميراث در سطح جهان، در سال 1992م برنامه «حافظه جهاني» را اجرا كرد (ادموند سان، 1387، ص1).از سال 1997م ثبت در دفتر ثبت حافظه‌ جهاني آغاز شد و تاكنون بيش از 200 اثر از كشورهاي مختلف جهان در اين دفتر به ثبت رسيده است. هر كشور مي‌تواند، در هر دورة‌ دوساله، دو اثر براي ثبت در فهرست حافظه‌ جهاني يونسكو پيشنهاد دهد.

كميته ملي حافظه جهاني در جمهوري اسلامي ايران، در سال 1384 شمسي با معرفي دو اثر «شاهنامه بايسنقري» از كاخ موزه گلستان و «وقفنامه ربع رشيدي» از كتابخانه مركزي تبريز، توانست اين دو اثر را در مرداد سال 1386 (اگوست 2007 ميلادي)، در فهرست حافظه جهاني به ثبت رساند. همچنين، دو اثر «المسالك و الممالك» از موزه ملي ايران و «مجموعه اسناد و تشكيلات اداري آستان قدس رضوي در دوره صفويه» از سازمان كتابخانه‌ها، موزه‌ها و مركز اسناد آستان قدس رضوي را براي شركت در دوره هفتم برنامه حافظه جهاني معرفي كرده است (ادموند سان، 1387، ص.2). همان‌طور كه ملاحظه مي‌شود، اين برنامه مي‌تواند در جهت ارتباط بين تمدنهاي مختلف، نقش مؤثري داشته باشد.

نقش نسخه‌هاي خطي در گفتگوي تمدنها

1. نقش علمي

بسيارند كتابهايي كه از سرياني و يوناني و سانسكريت به عربي برگردانده شده و باعث رشد علمي اعراب و مسلمانها شده و اين رشد خود به خود باعث رشد و بهره‌دهي علم در آن محدودة جغرافيايي و فرهنگي شده است. دانشمندان و عالمان، تكميل‌كننده علم يكديگرند و دانشمندان هر دوره‌اي وامدار دانشمندان دوره‌هاي پيشين و عاملي براي پيشرفت آيندگان، چه در گذشته و چه امروز، بوده‌اند. البته، اين كتابها و نوشته‌ها هستند كه عامل اصلي نقل و انتقال دانش بوده‌اند (صادق‌زاده، 1384، ص.76). يكي از با ارزش‌ترين اشكال اين مكتوبات، نسخه‌هاي خطي هستند.

نسخه‌هاي خطي علاوه بر ارزش موزه‌اي خود، از دو جنبة مهم با ارزشند: يكي ارزش علمي و ديگري ارزش فرهنگي آن (آل ابراهيم). نسخه‌هاي خطي به عنوان منابع تحقيقي در تاريخ علم، ادبيات، دين و فرهنگ، از منابع شناخت و آگاهي محسوب مي‌شوند كه مواريث فكر و تمدني را در خود جاي داده‌اند (صادق‌زاده، 1384، ص76) و تمام مدارج ترقي و پيشرفت را به ما بيان مي‌كنند. همچنين، نسخه‌هاي خطي ريشه علوم را كه كدام، به چه كس و يا چه مليتي تعلق داشته و يا از كجا سرچشمه گرفته است، نقطه به نقطه بيان مي‌كنند و سهم افتخارهاي فرهنگي و علمي ملل و اقوام را از دستبرد بيگانگان و اختلاس ديگران مصون نگه مي‌دارند (اصفيايي، 1380، ص.14).

سيد آقا بني هاشمي به تازگي در يك اقدام ماندگار، فهرستي از 6000 نسخه خطي رياضي را با مراجعه به تمامي كتابخانه‌هاي كشور جمع‌آوري كرده و با استناد به آنها نشان داده «امپراتوري اسلامي در قرن پنجم هجري، امپراتوري علمي بوده است». ايشان اشاره مي‌كند: «خارجي‌ها روي فهرست نسخ خطي ما ايراني‌ها كار مي‌كنند و ممكن است از داخل همين 6 هزار نسخه خطي، گرايشهاي جديد رياضي به وجود بيايد و كشف شود. ما مي توانيم از طريق اين فهرستها استفاده‌هايي از علم رمز بكنيم ... خواجه نصيرالدين طوسي را از لحاظ علمي همه دنيا قبول دارند و حتي آمريكا يكي از مدارهاي كره ماه را به اسم او نامگذاري كرده است... در حال حاضر كه به دنبال گفتگوي تمدنها هستيم، اينها مباحثي است كه مي‌توانيم درباره آنها در دنيا حرف بزنيم» (سيدآقا بني هاشمي،1380، ص.58) . با توجه به اين موارد اطلاع‌رساني اين نسخه‌هاي باارزش بايد به شكل مؤثري انجام بگيرد.

به طور كلي، اطلاع‌رساني نسخه‌هاي خطي از طريق پايگاه‌هاي اطلاعاتي مهم در وب، همچنين اهتمام دانشگاه‌هاي كهن و معتبر دنيا به ايجاد بخش خطي در كتابخانه‌هايشان در سراسر دنيا، جايگاه علمي اين منابع را براي تحقيق و پژوهش، بيش از پيش روشن مي‌سازد. به عنوان مثال، بادلين، كتابخانه اصلي تحقيقاتي دانشگاه آكسفورد است. اين مركز از سال 1610 تا كنون به عنوان كتابخانه‌اي مشروع و قانوني در طول چهار قرن مجموعه‌اي عظيم از كتابها و نسخه‌هاي خطي و ديگر منابع اطلاعاتي را جمع‌آوري كرده است، به طوري كه جايگاهي در ميان كتابخانه‌هاي اصلي پژوهشي جهان به خود اختصاص داده است (شاه رضايي، 1381، ص.93). در سه كتابخانه دانشگاه آكسفورد، عمدتاً كتابهايي به زبانهاي عربي، فارسي و تركي و نيز كتابهايي در زمينه مذهب و تمدن اسلامي يافت مي‌شود. كتابخانه بادلين، قدمتي طولاني در جهت كسب و جمع‌آوري آثاري در اين زمينه‌ها دارد كه توسط شرق‌شناسان اروپايي و انگليسي، بسياري از مجموعه‌هاي نسخه هاي خطي اسلامي جمع‌آوري و همچون بسياري از كتابهاي چاپي اوليه، در آن‌جا جاي داده شده‌اند (شاه رضايي، 1381، ص.94).

بنابراين، ارزش علمي نسخه‌هاي خطي بدون توجه به زبان و موضوع آنها، جهانشمول بوده و اين بيان ارتباط بين انسانهاست كه ريشه گفتگوي تمدنها به شمار مي‌رود.

2. نقش فرهنگي

نسخه‌هاي خطي، ميراث فرهنگي هر ملتي است و هويت فرهنگي هر ملتي در لابلاي برگهاي آن نهفته است. نسخه‌هاي خطي، نمادهاي بسيار مهم غناي فرهنگي و بيانگر صرف عمر و تلاش مردم يك كشور در گردآوري و پاسداشت دستاوردهاي فكر و مفاهيم ارزشي دانشمندان، علما و نوابغ آن سرزمين است (صادق‌زاده، 1384، ص.74).

نقش فرهنگي نسخه‌هاي خطي، همان چيزي است كه تمام ملتها به دنبال آن هستند و اهميت زيادي برايش قايلند. آنها هويت خود را نيز در گرو كلمه «فرهنگ» مي‌دانند و فرهنگ چيزي است كه هم آفريده مي‌شود و هم از نسلي به نسل ديگر منتقل مي‌گردد. اگر امروز اهميتي به نسخ خطي داده شود، علاوه بر جنبة تاريخي آنها، نقش پر رنگ و مهم آنها در رشد فرهنگي جوامع، انكارناپذير است (آل ابراهيم).

چنانچه بپذيريم كه «تمدن زاييدة فرهنگ و فرهنگ زاييده تفكر است؛ به عبارتي، جامعه‌اي كه صاحب تفكر نيست، داراي فرهنگ نيست و جامعه‌اي كه فاقد فرهنگ است، داراي تمدن نيست» (خوشكام، 1382، ص.26)، به اهميت نسخه‌هاي خطي پي مي‌بريم چون در اين آثار، فكر و انديشه علما در قالب تمدن و فرهنگ زمان خويش شكل گرفته است. همين فكر، تمدن و فرهنگ لازمة گفتگوي تمدنهاست كه همگي در نسخه‌هاي خطي متبلور است.

«احمد مسجد جامعي» با اشاره به روند جهاني شدن، ميراث مكتوب را نوعي تعريف هويت و پشتوانة فرهنگي مي‌داند و مي‌گويد: تجسم عملي يك تمدن حتي در نوع خط، صفحه آرايي، صحافي و نوع كاغذ مشخص مي‌شود (احمد مسجد جامعي،1383، ص.9).

«حسيني اشكوري»[7] نيز در مورد اهميت فرهنگي نسخه‌هاي خطي ايراني معتقد است: «ميراث مكتوب ايران از دو بُعد براي كشورهاي خارجي اهميت دارد. يكي از اين ابعاد، بُعد فرهنگي ايران است كه در كتابهاي هنري، اشعار، ادبيات و تاريخ نمود داشته و مشتاقان فراوان دارد». (حسيني اشكوري)

3. ابعاد هنري

هنر تعريفهاي مختلفي دارد و برداشتهاي گوناگوني از آن مي‌شود. مي‌توان غايت و هدفي مشترك در آن مشاهده كرد. همه در اين مورد نظر يكسان دارند كه هنر وسيله‌اي براي رسيدن به هدف يا هدفهايي است كه بشر به دنبال آنهاست، خواه اين هدف تحريك يا بيان احساسات، لذت‌خواهي، زيبايي، وقت‌گذراني باشد، خواه ايجاد ارتباط و تبادل افكار و انديشة خداخواهي و يا باورهاي اخلاقي.

در همة اين موارد، هنر و آثار هنري خلق شده به گونه‌اي بر مخاطبان خود تأثيرگذار هستند. اين تأثير مي‌تواند شامل تأثيرهاي اخلاقي، اجتماعي، مذهبي، احساسي و يا شناختي باشد (همايي، 1383، ص.14).

«هنر» از جمله مشتركات تمدنها و فرهنگهاست كه به نوعي زبان مشترك آنها به شمار مي‌رود.

از آنجا كه انسانها از يك سرچشمه خلق شده و خالق آنها يكي مي‌باشد و ذات و سرشت آنها واحد است، احساسات مشتركي دارند كه حتي فاصله‌هاي زماني و مكاني قادر به از بين بردن آن نيست. عاملي كه مي‌تواند آن احساسات را برانگيزد و تحت تأثير قرار دهد و آنها را به هم مرتبط نمايد، هنر است كه در طول تاريخ، بشر آن را به اثبات رسانده است (همايي، 1383، ص.84).

پس مي‌توان گفت، هنر گوياترين، زيباترين و جذاب‌ترين ابزار را براي پيشبرد هدفهاي گفتگوي تمدنها در اختيار دارد.

«علامه محمد تقي جعفري» دربارة ارزش هنر مي‌گويد: هنر يكي از نمودها و جلوه‌هاي بسيار شگفت انگيز و سازندة حيات بشري است (همايي، 1383، ص.15).

يك اثر هنري در هر قالبي كه باشد، از ظرفيت بالايي در ايجاد و ارتباط گفتگو برخوردار است و فراتر از مرزهاي زبان، كلام و جغرافيايي عمل مي كند، زيرا كاركردهاي هنر مي‌تواند متنوع و مختلف باشد. براي مثال:

- گاهي هنر به عنوان ايجادكنندة نوعي لذت در مخاطب يا مخاطبان، در نظر گرفته مي‌شود.

- كاركرد ديگر هنر، آن را وسيله‌اي براي درك حقيقت مي‌داند و كاركرد شناختي براي آن قايل است.

- از ديگر كاركردهاي هنر، كاركرد اخلاق يا تأثير اخلاقي است.

پس هنر مي‌خواهد (مي‌تواند) ايفاگر نقشي سازنده و تعالي بخش در عرصه گفتگوي تمدنها باشد؛ نقشي كه هم محلي است و هم جهاني، زيرا همگي به اين نكته كه هنر مي‌تواند زبان مشترك همة فرهنگها و تمدنها باشد و اينكه زبان هنر، جهاني است، تأكيد دارند.

ابعاد هنري نسخه‌هاي خطي جذّاب و متنوع است؛ به نحوي كه علاوه بر زينت موزه‌ها، گالريها و گنجينه‌هاي خصوصي و ملي كشورهاي مختلف، خريد و فروش اين آثار هنري به يكي از پرسودترين تجارتهاي بين المللي تبديل شده و از همه مهمتر، هنرمندان و پژوهشگران زيادي را از نقاط مختلف جهان، به تكاپو كشانده است.

در نسخه‌هاي خطي، علاوه بر هنرهاي كاغذسازي، ورّاقي، صحافي و كتاب‌‌سازي؛ زيباترين هنرهاي خلق شده توسط فكر، ذهن و دستان هنرمندان يعني خط، تشعير، تذهيب، ترصيع، تصوير (نقاشي و مينياتور) و تجليد هويداست، كه بحث در مورد تك تك آنها در توان قلم نگارنده مقاله نبوده و در اين نوشته مختصر نمي‌گنجد.

به عنوان مثال، اوراق مزيّن شاهنامه فردوسي توسط هنرمندان ايراني، قرآنهاي بسيار نفيس كتابت شده توسط خطاطان و خوشنويسان ايراني و ... در دنيا بي نظير بوده و زينت بخش موزه‌هاي ملي و بين‌المللي است و مكتب هنري به كار رفته در اين آثار هر يك زبان گوياي تاريخ هنر كشورمان است.

در خصوص اهميت هنري نسخه‌هاي خطي كشورمان، استاد ايرج افشار چنين مي‌نويسد:

«نسخه‌هاي خطي يكي از ميدان‌‌گاه‌هاي با نزهت و خوش منظر و تجليگاه بارز ذوق و هنر ايراني است. بر صفحات دروني و جلد آنها زيباترين نقشها و رنگها را ترسيم كرده و فكرها را تجسم بخشيده‌اند. در جلدهاي سوخت و معرق و روغني سرپنجه‌هاي هنرمندان بي نام و نشان نازك‌ترين قلمها و روشن‌ترين طرحها را بر پوست خشك و مقواي شكننده جاودان ساخته و خويش و بيگانه را از اعجاز و شگفتي كار، به آفرين‌گويي و حيرت واداشته‌اند.» (صادق‌زاده، 1384، ص.8).

«فرانسيس ريشار»[8] ايران‌شناس، نسخه‌شناس و فهرست‌نويس فرانسوي و برگزيده دوازدهمين دوره جايزه جهاني كتاب سال جمهوري اسلامي ايران، دربارة ارزش هنري نسخه‌هاي خطي چنين مي‌گويد:

«علت توجه خاص فرانسويها به نسخه‌هاي خطي فارسي، سبك خاص آن بود. اگر چه خط فارسي، تقليد از خط عربي است و همواره در طول تاريخ بر خلاف زبان فارسي، ايرانيها خط را از تمدنهاي ديگر گرفته‌اند، اما نوع نگارش، خط و حتي تزئينات كتابها و نوشته‌ها، منحصر به فرد است. يكي ديگر از علتهاي توجه فرانسويها به نسخه‌هاي خطي، زيبايي خط و آراستن نسخه‌ها با رنگها و نقشهاي مختلف است.

يكي از هنرهاي نسخه‌نويسي، تذهيب است. پس از اينكه منشي يا كاتب نسخه خطي را مي‌نوشت، آن را به تذهيب‌كار مي‌داد تا نسخه را با نقاشيهاي مخصوص بيارايد. در هر يك از سبكهاي نسخه نويسي مانند سبك خراساني، زنجاني يا بغدادي، تذهيبهاي خاصي وجود داشت.» (يادداشت ماه، 1377).

پس اهتمام كشورها و مراكز تحقيقاتي به جمع آوري نسخه‌هاي هنري، نشانگر زبان مشترك اين آثار براي تمامي مكتبها، مذهبها و ملتهاست و عمق وجودي گفتگو را در ابعاد هنري نسخه‌هاي خطي، بيان مي‌كند.

4. نقش معنوي، عرفاني و اخلاقي

مبتكر گفتگوي تمدنها بيان مي‌كند: مهمترين مشكل امروز بشريت، خلأ معنويت است. انسان متكي به فناوري شگفت‌انگيز و رو به پيشرفت كنوني كه دائماً براي غلبه بر مشكلات مادي زندگي مي‌كوشد، از يك بيماري و خلأ بزرگ رنج مي‌برد، و آن خلأ معنويت است.

در ابتداي اكثر نسخه‌هاي خطي، پديدآورندگان نسخه ابتدا شكر و سپاس خداوند متعال، پيامبران و ... را به جاي آورده، سپس به تقدير و تشكر از استاد و يا استادان خويش پرداخته‌اند و از كتابهايي كه مطالعه و يا در تدوين مطلب از آنها استفاده كرده‌اند، با احترام نام مي‌برند.

بسيار ديده شده كه كاتبان و نقاشان و مذهبّان نسخه، با وجود داشتن هنر بي‌نظير، از نوشتن اسم و مشخصات خويش خودداري و درخواست عفو و رحمت نموده‌اند.

همچنين، با مطالعه نسخه‌ها مي‌توان با خصوصيات اخلاقي و فكر مؤلفان، كاتبان و مالكان و ... آشنا شد. دو نمونه از اين گفتارها در ادامه آمده است:

الف) بعضي از مؤلفان يا كاتبان كتابهاي خطي به مسئله فاني بودن دنيا و توجه صرف نداشتن به آن، اين‌گونه اشاره نموده‌اند كه: «سيبقي خطوطي و كنت ترابا فيا ناظراً فيه قُل لي دُعائي»؛ يعني «خطوطم (آثارم) باقي خواهد ماند در حالي كه خودم فاني مي‌شوم، پس اي كسي كه بدان‌ها مي‌نگري، مرا به خاطر آور و برايم دعا كن».

ب) در اين كه مالك مطلق خداست و مالكيت ما پايدار نيست، اين‌گونه يادداشتها فراوان ديده مي شود كه:

«كيف اقول هذا ملكي و لله مُلك السموات و الارض»؛ يعني «چگونه بگويم (ادعا كنم) اين [كتاب] متعلق به من است، و حال آن كه مالكيت آسمانها و زمين از آن خداست.» (خاني پور، 1378)

با استفاده از اين خصوصيات و اطلاعات ضبط شده در نسخه‌هاي خطي، اين جمله مبتكر گفتگوي تمدنها كه مي‌گويد: «گفتگوي تمدنها علاوه بر گفتن، ... . مستلزم شنيدن نيز هست. شنيدن فضيلتي است كه بايد آن را كسب كرد. اين فضيلت آسان به دست نمي‌آيد، چون براي دست يافتن به آن، انسان بايد به نوعي تربيت اخلاقي، تهذيب نفساني و پرورش عقلي اقدام كند.» (خاتمي، 1380، ص.41).

نتيجه‌گيري

چون هميشه محتواي ارتباط انسانها اطلاعات است و اين اطلاعات ممكن است معنوي، علمي، هنري و فرهنگي باشد؛ پس نسخه‌هاي خطي مي‌توانند به عنوان با ارزش‌ترين و متنوع‌ترين محمل اطلاعاتي، نقش مؤثري در ارتباط و گفتگو داشته باشند. از طرفي، چون نسخه‌هاي خطي جلوه‌اي از تمدن فرهنگي ملتها به شمار مي‌رود، پس شكي نيست كه مي‌توانند در ارتباط بين فرهنگها و ملتها بويژه گفتگوي تمدنها، مفيد باشند.

در حوزة نسخه‌هاي خطي، مذهب، مرزهاي جغرافيايي، زبان و ... مانع پژوهش و ارتباط نيست. به عنوان مثال، كتابخانة آية‌ا... مرعشي نسخه‌هاي خطي اكثر كتابهاي آسماني را جمع‌آوري و به نحو شايسته‌اي حفظ و اطلاع‌رساني مي‌كند و يا كتابخانه ملي نسبت به جمع‌آوري كتابهاي خطي ساير مذاهب اقدام مي‌كند.

وقتي پژوهشگران آلماني، انگليسي و آمريكايي در خصوص معراج پيامبر اسلام (ص) و ايثارگري حضرت ابوالفضل (ع) در نسخه‌هاي خطي تحقيق مي‌كنند، نشانگر آن است كه به «گفتگوي تمدنها» اعتقاد دارند.

معتقدان گفتگوي تمدنها به ديگران احترام مي‌گذارند، سهم فرهنگ و تمدن آنان را در عرصه جهاني رعايت مي‌كنند، تمدن بشري را محصول تمام انسانها مي‌دانند ونقش آنان را در آفرينش تمدن كنوني اساسي مي‌دانند.

پس بر كسي پوشيده نيست كه نسخه‌هاي خطي، تمدن بشري و محصول انسانهاست و مي‌تواند يكي از پايه‌هاي اساسي گفتگوي تمدنها به شمار رود.

اميد است مباحث قرآن كريم، كه نسخه‌هاي خطي آن فراوان بوده و از نظر تزئينات و هنر در بين ساير نسخه‌هاي خطي و حتي نسخه‌هاي خطي ساير اديان بي‌نظير و امروزه زينت‌بخش تمامي كتابخانه‌ها، موزه‌ها و گنجينه‌هاي كليه كشورهاست، اسوه و الگوي تمامي ملتها و سياستمداران و حكومتها بويژه كشورهاي مسلمان قرار بگيرد تا صلح، دوستي و وحدت در جامعه، جاي جنگ و جدال و نفاق را بگيرد؛ زيرا «قرآن كريم كتاب گفتگوست، ضمن اينكه همه انواع شيوه‌هاي جدال به نحو زيبا و شايسته‌اي به كار گرفته شده و آياتي بر آنها دلالت دارند. اين كتاب روش گفتگوي پيامبران با اقوام خود و ... را تجزيه و تحليل مي‌كند و مي‌توان ادعا كرد مرجع و مأخذي باشد براي روش‌شناسي گفتگو، روش تبليغ ديني، روش مناظره و مباحثه و رهگشايي براي گفتگوي تمدنها. قرآن كتاب بحث و گفتگوست.» (صحرايي اردكاني، 1383، ص.2).

منابع

- آل ابراهيم، مجيد. «اهميت جهاني نسخ»، كتاب هفته، شماره 596.

- ادموند سان، ري (1387). حافظه جهاني؛ رهنمودهاي يونسكو براي حفاظت از ميراث مستند. ترجمة كميته ملي حافظه جهاني. تهران: سازمان اسناد و كتابخانه ملي ايران.

- اصفيايي، محمد (1380). «نقش و كارآيي كتاب، در تبيين تاريخ و فرهنگ ملل»، تمبر، شماره 2 و 3.

- مسجد جامعي، احمد (1383). «فرهنگ در آئينه ميراث مكتوب». كتاب ماه (كليات)، شماره 85، دي ماه.

- خاتمي، محمد (1380). مباني نظري گفتگوي تمدنها: مجموعه سخنراني‌هاي سيد محمد خاتمي در باب طرح گفتگوي تمدنها، تهران: سوگند.

- خاني‌پور، رضا (1378). «درآمدي بر فهرست‌نويسي كتابهاي خطي». فصلنامه كتاب، دوره دهم، شماره چهاردهم، زمستان(پياپي 40).

- خوشكام، حميدرضا (1382). «كانون جهاني فرهنگ و هنر»، پايان‌نامه كارشناسي ارشد پژوهش هنر، دانشكده هنر و معماري دانشگاه آزاد اسلامي واحد تهران مركز.

- رسولي املشي، مرضيه (1384). «نسخه‌هاي خطي شرقي در جهان». كتاب ماه كليات. سال هشتم، شماره هشتم و نهم، مرداد و شهريور، پياپي 92 و 93.

- شاه رضايي، بدرالسادات (1381). «نسخه‌هاي خطي ايراني و اسلامي در گستره جهان (2 و 3)». آينه ميراث، سال چهارم، شماره4، بهار 1381.

- حسيني اشكوري، صادق. «جنبه‌هاي علمي و فرهنگي چاپ نسخ خطي». كتاب هفته، شماره 615.

- صادق‌زاده، علي (1384). «بررسي سازماندهي و اطلاع‌رساني نسخه‌هاي خطي كتابخانه مركزي. تبريز». پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني، دانشكده علوم انساني و اجتماعي دانشگاه آزاد اسلامي واحد علوم و تحقيقات.

- صحرايي اردكاني، محسن (1383). «گفتگوي تمدنها از منظر قرآن و احاديث». پايان‌نامه كارشناسي كارشناسي ارشد علوم قرآن و حديث، دانشكده الهيات و فلسفه اسلامي دانشگاه آزاد اسلامي واحد تهران مركز.

- سيد آقا بني‌هاشمي، سعيد (1380). «فهرستي ماندگار از 6000 نسخه خطي رياضي در كشور». كتاب ماه (كليات)، شماره 49، دي.

- كياني، محمدرضا. 1378. «جايگاه اطلاع‌رساني در گفتگوي تمدنها». فصلنامه كتاب، دوره دهم، شماره سوم، پائيز (ياپي 39).

- ـــــــــــــــ (1380). «گفتگوي تمدنها در بستر گفتگوي رايانه‌ها». فصلنامه كتاب، دوره دوازدهم، شماره اول، بهار (پياپي 45).

- همايي، جليل (1383). «مخاطب اثر هنري در عرصه گفتگوي تمدنها». پايان‌نامه كارشناسي ارشد پژوهش هنر، دانشكده هنر و معماري دانشگاه آزاد اسلامي واحد تهران مركز.

- «يادداشت ماه». 1377. كتاب ماه: ويژه‌نامة گفتگوي تمدنها، اسفند.

- www.shabestun.com

--------------------------------------------------------------------------------

1. Samuel P. Huntington ، مدير مركز مطالعات استراتژيك دانشگاه هاروارد.

2. سيد محمد خاتمي، رئيس جمهور سابق جمهوري اسلامي ايران.

[3]. Taylor.

[4]. Kroeber.

[5]. Toynbee.

[6]. UNESCO.

1. پژوهشگر نسخه‌هاي خطي.

[8]. FRANCIS RICHARD.